

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۷ نومبر ۲۰۲۲

## مخالفت طالب با فعالیت سیاسی برادران عقیدتی اش!

شنبه - ۰۵ قوس ۱۴۰۱ - کابل: هرگاه به اخباری که رسانه های بین المللی نشر می نمایند، مراجعه نموده باشید حتماً متوجه شده اید که رسانه "سپوتنیک" رقیب و حریف رسانه ئی "بی. بی. سی" و بقیه نشرات غربی، ۴ روز قبل گزارشی را با استناد به مکتوب "ریاست استخبارات" نظام ملاسالار عنوانی یکی از ولایات افغانستان پخش نمود که در آن رسماً هدایت داده شده بود:

"طبق هدایت رهبری اداره عمومی استخبارات... هر گونه فعالیت های سیاسی حزب های تحریر، جمعیت اصلاح و نهاد النجم و گروه های تکفیری ممنوع می باشد."

صدور چنین مکتوبی که یقیناً نمی تواند بدون تصمیم و هدایت رهبری نظام ملاسالار انجام یافته باشد، می تواند روی دلایل آتی باشد:

۱- این را می دانیم علی رغم خرده اختلافاتی که بین طالب و نهاد های فوق الذکر وجود دارد، در کل آنها در تمام دوران حاکمیت اشغالگرانه امپریالیسم امریکا و شرکاء بر افغانستان، این نهاد ها هر چند در جنگ در کنار طالب ایستاده نشدند مگر به مثابه بازوی تبلیغاتی طالب جهت جلب و جذب افراد به صفوف طالب و اغوای تمام مردم با معرفی چهره های آرایش یافته از طالب و حرکت آنها، در یک ائتلاف اعلام نشده با طالب، نقش بسزائی را ایفاء نمودند.

۲- هرگاه از تفاوت های عمیق ایدئولوژیک بین طالب و این نوع نهاد ها بگذریم، با آن که طالب دیروز که کلاً نمایندگی از "اسلام سنتی" جامعه افغانستان می کرد، امروز آن طالب نیست و طالب کنونی از زمانی که رحل اقامت در قطر انداختند بیشتر از "اسلام سنتی" به "اخوان المسلمین" نزدیک شده است؛ مگر در برخی از موارد روزمره و عادی نیز اختلافاتی با احزاب تکفیری دارند که یکی از مهمترین این اختلافات، موضعگیری متضاد آنها در تعیین بستر و حوزه فعالیت های شان می باشد.

بدان معنا که خلاف طالب که تمام توجه و هدفش را سلطه بر افغانستان و تحکیم قدرت شان در یک کشور "فعالاً افغانستان" می سازد، تکفیری ها رسالت بزرگتر و وسیعتری برای خود قایل شده، بقاء و رسیدن به عظمت جدید دنیای اسلام را در گسترش هر چه وسیعتر نفوذ اسلام و موازین آن در اقصا نقاط جهان می سازد. این تفاوت و تضاد باعث

می‌گردد که کشور های همسایه دور و نزدیک از بابت نفوذ تکفیری ها در افغانستان و کشور های خودشان احساس نگرانی نمایند.

۳- با در نظر داشتن نکاتی که در فوق از آن نام بردیم، وقتی طالب و نظام ملاسالار تصمیم می‌گیرد تا مانع فعالیت های سیاسی احزاب و نهاد های تکفیری بگردد، عمدتاً از دو حالت خارج نیست:

الف - احتمال این که طالب چنین تصمیمی را بنا بر اقتضای ماهیت انحصارگرانه خودش گرفته باشد، منتفی نیست. طالب که دیروز روی ضرورت های آن زمان، حاضر شده بود چشمش را در قبال فعالیت های تبلیغی و تربیتی این احزاب ببندد، اینک که به قدرت رسیده و بنا بر ادعای خودش **"در حال حاضر "نظام شرعی" زیر "قیادت" علماء در افغانستان موجود است و نیازی به فعالیت هیچ جماعت و حزب دیگر نیست؛ زیرا وجود احزاب سیاسی، به ضرر مردم است."** انحصار طلبی و یکه تازی اش را بر رقباء و متحدان دیروزی نیز بسط داده، فعالیت تمام آنها را ممنوع اعلام داشته است. طالب که از یک سود عاشق و شیفته حکومت یک حزبی است و از جانب دیگر بر مبنای اعتقاداتی که دارد فهم و موضع سیاسی مبتنی بر آن فهم را درست و کامل و مطلق می‌پندارد، از لحاظ ایدئولوژیک قادر نیست تفاوتی بین رقیب، مخالف و دشمن قائل شود. از همین رو همیشه غیر از خودش را دشمن حساب نموده، سرکوب می‌نماید.

ب- دلیل دوم صدور چنین فرمانی می‌تواند پاسخگوئی و تعامل با کشور های خارجی به خصوص کشور های آسیای باشد. این که فرمان از جانب سپوتنیک رسانه ئی می‌شود به تنهائی می‌رساند که احتمالاً اتخاذ چنان موضعی از جانب نظام ملاسالار زیر فشار کشور های همجوار و قدرت های منطقه ئی و جهانی به مثابه یک تعامل با جهان صورت گرفته است.

هموطنان گرامی!

چه طالب این موضع را بنا بر اقتضای ماهیت انحصار طلبانه خودش اتخاذ نموده باشد و چه هم زیر فشار کشور های خارجی، در یک نکته هیچ تفاوتی به وجود نمی‌آورد و آنها چگونگی ادامه کار این احزاب در افغانستان می‌باشد. بدان معنا که اگر طالب چنین فرمانی را به منظور فریب کشور های خارجی صادر نکرده باشد و بخواهد واقعاً مانع فعالیت آنها بگردد، احتمال این که آن احزاب با تکیه بر تجارب و امکاناتی که دارند، به مبارزه مخفی روی آورده، در نهایت دست به سلاح به خصوص ترور و بمبگذاری نیز بزنند، بعید نیست.

در یک کلام مادامی که در افغانستان درب بخواهد بر مبنای اسلام سیاسی بچرخد، هیچ گاهی از شر این جرثومه های فساد رهائی نخواهیم یافت. تنها راه نجات کشور، جدائی دین از حاکمیت و قدرت سیاسی است در غیر آن، همان طور که در گذشته طالب جای جهادی ها را گرفت، در آینده دیگران جای طالب را گرفته دورو تسلسل منحنی و خونبار ادامه خواهد یافت.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می‌باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**